

روزشمار جنگ

چهارشنبه

۲۹ مرداد ۱۳۵۹

۹ شوال ۱۴۰۰

۲۰ اوت ۱۹۸۰

۳۱۰

رژیم عراق علاوه بر اخراج عراقی‌های ایرانی‌الاصل - که تقریباً هر هفته به تعداد آنها اضافه می‌شود - از چند روز پیش، دست به اخراج اتباع پاکستانی و افغان مقیم این کشور زده و آنها را از طریق مرز مهران به استان ایلام گسیل داشته است. در این باره، امروز استانداری ایلام اطلاعیه‌ای منتشر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «بار دیگر صدام حسین خونخوار این نوکر سرسپرده آمریکا در جهت تحکیم پایه‌های رژیم پوسیده خود دست به جنایت‌هایی همانند همکار معدوم خود محمدرضای مخلوع زده است و تعدادی از برادران مسلمان پاکستان و افغانی را از مرزهای مهران در استان ایلام با وضع فجیعی به خاک ایران روانه کرده است. ...» در پایان این اطلاعیه آمده است: «ما بدین وسیله به تمام مردم مسلمان دنیا از جنایات این رژیم منفور و دیکتاتور و فاشیست اعلام جرم می‌نماییم و امیدواریم کشورها، مسئولین مسلمان و متعهد در قبال این رفتار ددمنشانه بیش از این سکوت نکنند.»^(۱)

ضیائی، معاون سیاسی استانداری ایلام، ضمن تأیید این مطلب گفت: «کشور عراق با انجام یک طرح وسیع در مرز، سعی در عربی کردن نوار مرزی خود با ایران دارد.» وی افزود: «به همین منظور اکثر شهرهای مرزی ایران و عراق از وجود شیعیان تقریباً خالی شده و کشور عراق برای عربی کردن نواحی مرزی و استقرار مسلمانان اهل تسنن، گروهی از افراد و خانواده و وابستگان رژیم خود را از کشورهای اردن و عربستان و دیگر کشورهای عربی فراخوانده و با دراختیار گذاشتن امکانات فراوان در مرز متمرکز کرده است.»^(۲)

۳۱۱

تحرکات مرزی عراق در قالب حملات پراکنده، تقویت پاسگاه‌های مرزی، استحکامات و تجهیزات نظامی و شناسایی‌های هوایی ادامه یافت.

حدود نیمه شب پاسداران مستقر در پاسگاه قلعه سفید و پرویز هدف حمله نیروهای عراقی

مستقر در کوه‌های آق‌داغ قرار گرفتند. در ادامه، یک فروند میگ عراقی و نیز یک هواپیمای فانتوم از پایگاه حر وارد عملیات شدند در این درگیری که حدود سه ساعت طول کشید، تلفاتی به عراق وارد شد.^(۳)

در همین شب پاسگاه رضاآباد ایلام نیز مورد حمله عراق قرار گرفت. این حمله با تجاوز دو هواپیمای عراقی به حریم هوایی این نقطه همراه بود.^(۴)

درزمینه دیگر تحرکات عراق، تقویت منطقه یرخان با یک ستون زرهی، تقویت پاسگاه منظریه عراق توسط دو دستگاه اورال پر از نیرو، تقویت منطقه چارکلا و سرغزل عراق با یک ستون زرهی^(۵) و تقویت پاسگاه محمدخدر عراق - که در مقابل پاسگاه تپه‌گل ایران قرار دارد - به وسیله دو خودرو نظامی و سه خاور پر از نیرو گزارش شده است.^(۶)

در همین حال، مرزبان مهران درمورد مشاهده اشیاء نورانی در شب چنین گزارش داده است: «اغلب شب‌ها اشیایی با مشخصات زیر در آسمان مشاهده می‌شود که برای مرزبانی معلوم نشده این‌گونه اشیاء هواپیمای جنگنده یا مسافربری و یا بالن‌های هواشناسی هستند؛ زیرا ارتفاع آنها بسیار بلند است، صدا ندارند، مانند یک ستاره نورانی در حرکت هستند و سرعتی معادل سرعت یک هواپیما دارند و جهت حرکت آنها مختلف است؛ بعضی اوقات از شمال به جنوب یا مشرق و مغرب در حرکت‌اند.»^(۷)

در جنوب نیز گزارش‌هایی از تحرکات عراق درزمینه تقویت مواضع و شناسایی، در دست است یک گزارش از منابع مرزی خودی حاکی است که عراق نیروهای خود را در تمام مرز خوزستان تا شلمچه به شدت تقویت کرده و در تمام این نقاط مبادرت به احداث کمین کرده است.^(۸)

از منطقه مرزی شلمچه نیز خبر می‌رسد که همچون روزهای اخیر، امروز نیز در ساعت ۲۳، یک فروند هواپیمای شکاری ناشناس در آسمان مرز شلمچه مشاهده شد که پس از تیراندازی گردان مستقر در محل به سوی آن، هواپیمای مزبور متواری گردید.^(۹)

۳۱۲

به دنبال افزایش شدید تبلیغات رادیو تلویزیونی کشورهای حوزه خلیج فارس با هدف بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی مشکلات موجود در خوزستان و نیز با هدف جذب مردم عرب این منطقه، امروز روزنامه جمهوری اسلامی نامه "جمعی از دانشجویان مسلمان خوزستانی" را که روز گذشته به دفتر این روزنامه رسیده است، منتشر کرد. در بخشی از این نامه ضمن هشدار به مسئولان جمهوری اسلامی درمورد بذل توجه بیشتر به منطقه حساس خوزستان، آمده است: «... منطقه‌ای که صدام حسین همت خود را بر آن گماشته تا از آن برای اربابانش ابرقدرت‌های شرق و غرب پل پیروزی بسازد، باید از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران به نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار گیرد. از جمله مسائلی که برای مردم مستضعف خوزستان مطرح است هجوم

تبلیغاتی امپریالیسم از مجرای بوق‌های سخن‌پراکنی بعث عراق و طاغوت‌های سعودی و شیوخ کویت و بحرین و امارات است. این بلندگوهای تبلیغاتی که تمام هم خود را مصروف درشت‌نمایی عقب‌ماندگی‌های باقیمانده از دوران طاغوت می‌کنند با تأکید بر ناسیونالیسم افراطی و ضداسلامی و گرایش‌های پان‌عربیستی و تفسیرهای منفی از انقلاب اسلامی ایران می‌خواهند اذهان ملت مستضعف خوزستان را آشفته و نسبت به انقلاب بدبین کنند. ...»

در بخش دیگری از این نامه آمده است: «... با توجه به کشش و جذبه برنامه‌های ضدانقلابی رادیو تلویزیون‌های عراق، کویت، عربستان، بحرین و امارات؛ چه به زبان فارسی و چه عربی، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران اولاً برنامه‌هایی به زبان عربی پخش کند و ثانیاً فرستنده‌های خود را در منطقه خوزستان تقویت نماید. چراکه اکنون عدم پخش صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در منطقه خوزستان وضع منطقه را با انفجار روبه‌رو کرده است. ...»^(۱۰)

۳۱۳

تهاجم پراکنده مهاجمان مسلح معارض با نظام در مناطق غرب کشور در طول ۲۴ ساعت گذشته، به مناطق بیونج، کرند، کامیاران، پاوه و کرمانشاه گزارش شده است. خبرگزاری پارس ضمن بیان این مطلب، افزوده است: «در تمام این تهاجمات ضدانقلابیون از خمپاره‌انداز، آر.پی.جی ۷ و مسلسل استفاده شده است.»^(۱۱)

در ادامه تحركات گروه‌های مسلح ضدانقلاب، طبق یک گزارش از منابع اطلاعاتی خودی، امروز «جلسه‌ای با شرکت نمایندگان گروه‌های سیاسی مخالف دولت جمهوری اسلامی ایران در مناطق کردنشین غرب کشور و با حضور احمد ملاقادر و بهاء‌الدین نوری از سران حزب شیوعی عراق و جلال طالبانی درحوالی مرز پیرانشهر تشکیل و به مذاکره پرداخته‌اند.» در ادامه این گزارش آمده است: «در این نشست از اقدامات حزب کومه‌له در قبال دولت ایران دفاع و آن را تأیید نموده‌اند. حضور جلال طالبانی و مسئولین حزب شیوعی در این گردهمایی به منظور برطرف نمودن اختلافات کومه‌له و گروه‌های سیاسی مخالف یکدیگر بوده است.»^(۱۲)

یک گزارش دیگر منابع اطلاعاتی خودی حاکی است: «بختیار درعرض همین هفته با سپاه زیادی به پیش عزالدین حسینی خواهد رفت.»^(۱۳) در گزارش امروز ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «احتمال دارد در غرب کشور (ارومیه) درگیری بین مهاجمین و نیروهای خودی رخ دهد و نیروهای بعث عراق و عوامل بختیار و دمکرات در مرز مستقر و احتمال درگیری و امکان حمله زمینی و هوایی از منطقه سردشت تا بلندی‌ها و ارتفاعات پیرانشهر می‌رود.» در پایان این خبر از نیروی هوایی درخواست شده که یک پرواز شناسایی از این مناطق به عمل آید.^(۱۴) دراین زمینه همچنین مرکز فرماندهی سپاه در گزارش خود به ستاد مشترک ارتش، امکان درگیری را از منطقه سردشت تا بلندی‌های کالیشن دانسته و درخواست

کرده تا فانتوم‌های پایگاه‌های شکاری تبریز و همدان درحالت آماده‌باش قرار گیرند.^(۱۵) دراین‌حال، امروز با دیده‌شدن صدیق کمانگر و ایوب یونسی از سران مؤثر حزب دمکرات، هریک به‌همراه ۵۰ نفر از افراد خود در منطقه روستای کلاته و اطراف پاسگاه تیژتیژ، احتمال حمله به این پاسگاه و پاسگاه‌های دیگر ازسوی آنها تقویت شده است.^(۱۶) همچنین، از می‌توان نیز خبر می‌رسد که جاده پایین سر راه در اختیار افراد چریک‌های فدایی و کومه‌له است و احتمال حمله به نیروهای خودی می‌رود.^(۱۷) گزارش اطلاعات سپاه سردشت نیز حاکی از حرکت ملاحسن از سران حزب دمکرات به‌طرف منطقه قطور و احتمال حمله مجدد به این منطقه است.^(۱۸) از سوی دیگر، از کرمانشاه خبر می‌رسد که ساعت ۱ بعدازظهر امروز، ۵ فرد مسلح و ملبس به اونیفورم‌های نظامی به بانک ملی بخش "صحنه" کرمانشاه دستبرد زدند. در این حمله، مهاجمان جمعاً مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به سرقت بردند.^(۱۹)

۳۱۴

دو گزارش تکان‌دهنده درباره شهر تکاب و روستاها و راه‌های اطراف آن، وضعیت امنیتی ناپایدار این منطقه و مردم این دیار را منعکس می‌سازد. یکی از این دو گزارش انعکاس عام یافته است و دیگری گزارش داخلی سپاه است.

در گزارش امروز اداره طرح و برنامه عملیات به فرماندهی سپاه درباره این منطقه آمده است: «شهر تکاب از یک‌طرف به بیجار و ازطرف دیگر به شاهین‌دژ منتهی می‌شود که فاصله تکاب تا شاهین‌دژ در حدود ۹۵ کیلومتر می‌باشد که ۷۵ کیلومتر آن در دست ضدانقلاب می‌باشد و از سمت شمال به منطقه کوهستان وسیعی منتهی می‌شود که حدود ۸ تا ۹ ده در دست پاسداران می‌باشد. ... این منطقه، کوهستانی و زمستان آن بسیار سرد است؛ یعنی شش ماه در سال راه‌های منطقه بر اثر سرما بسته خواهد شد و اگر منطقه کاملاً پاک‌سازی نشود سپاه پاسداران در زمستان مجبور به تخلیه آنجا خواهد شد و این کار برای مردمی که در این دهات هستند و به‌ویژه افرادی که با سپاه پاسداران همکاری کردند بسیار گران تمام خواهد شد و دوباره ضدانقلاب در آنجا رشد خواهد کرد. و الآن مردم منطقه دارند اسباب‌کشی می‌کنند و به شهر می‌آیند و احتیاج به نیروی فوری است. ...»^(۲۰)

اما گزارش امام‌جمعه تکاب، حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی که دادستان انقلاب اسلامی و مسئول دفتر حزب جمهوری اسلامی این شهر نیز هست، با تفصیل بیشتری به وضعیت این منطقه پرداخته و در آن آمده است:

* ضمیمه دارد: گزارش مفصل گروه تحقیقات دفتر هماهنگی مناطق سپاه، درباره وضعیت امنیتی بیجار، دیواندره، تکاب و اطراف آن و موقعیت سپاه و نیروهای این شهرها.

«... صدای ضعیف ۱۵۰۰ آواره روستایی را که به تکاب پناهنده شده‌اند و از ظلم و ستم حزب دمکرات به ستوه آمده‌اند، منعکس کنید؛ مردان و زنان و کودکانی که منزل‌ها و اثاثیه خانه و تمام هستی‌شان را ضدانقلاب به آتش کشیده و خود با دست خالی از طریق بیراهه‌ها جان سالم به در برده‌اند و اکنون در مدارس تکاب در کمال سختی و مضیقه به سر می‌برند و متأسفانه در طول این مدت کسی از طرف مقامات مسئول به این امر رسیدگی نکرده است. ... همین افرادی که به‌جای همکاری با دمکرات به آنها روی خوش نشان ندادند و از اسلام و توده ملت جدا نشدند و روی همین اصل آواره شدند.»

وی در ادامه این گزارش درباره وضعیت شهر تکاب آورده است: «این شهر ۲۵ هزار نفری از آب آشامیدنی محروم است و اکنون که یک سال و نیم از پیروزی انقلاب می‌گذرد، در این باره اقدامی جدی صورت نگرفته است. ... بخشدار و شهردار جدید تکاب از استاندار آذربایجان غربی قول اعطای بودجه کافی را گرفته‌اند، ولی چون مسئولین آب مشروب استان قبلاً باید منطقه را از نزدیک ببینند، ناامنی منطقه تکاب را بهانه قرار داده و از آمدن به تکاب خودداری می‌کنند. ...»

در این گزارش همچنین درباره وضعیت راه‌های ارتباطی تکاب با شهرهای اطراف آمده است: «شهر تکاب از سه طریق به سایر شهرستان‌ها ارتباط دارد: راه تکاب به جاده سقز که بیش از یک سال است توسط ضدانقلاب مسدود است؛ راه تکاب به شاهین‌دژ و میاندوآب که ۶ ماه است توسط ضدانقلاب و افراد حزب دمکرات و کومه‌له مسدود است؛ راه تکاب - بیجار که تنها راه ورود و خروج تکاب می‌باشد در اثر نرسیدن مسئولین در حال ویرانی و نشست پل‌ها و از بین رفتن آسفالت می‌باشد.»

امام‌جمعه تکاب همچنین درباره ارتباط تلفنی این شهر با سایر مناطق افزود: «ارتباط تلفنی تکاب با خارج از شهر به علت عبور سیم‌های ارتباطی از مسیر سقز حدود ۷ ماه است که به‌طور کامل قطع است و اگر کسی بخواهد با شهرهای دیگری تماس بگیرد باید با طی چهار ساعت راه، به شهر زنجان مسافرت کند، چون شهر بیجار نیز حدود ۳ ماه است که ارتباط تلفنی ندارد.» در این گزارش در مورد وضعیت سیمای جمهوری اسلامی نیز آمده است: «حدود ۸ ماه است که مردم تکاب صداوسیما جمهوری اسلامی را ندیده‌اند و در این مدت طولانی حتی یک بار مسئولین رادیو تلویزیون برای حل این مشکل به تکاب نیامده‌اند. و علت قطع سیمای و صدای تلویزیون‌های تکاب این است که دکل گیرنده تصویر بر بالای تپه‌ای در دسترس ضدانقلاب نصب شده است که از ۸ ماه قبل وسایل و تجهیزات آن را باز کرده و برده‌اند... و این مردم تنها می‌توانند از صدای شوم رادیو عراق استفاده کنند.»^(۲۱)

علاوه بر مناطق غرب و جنوب کشور برخی اخبار و گزارش‌ها از فعالیت‌های جاسوسی در دیگر مناطق ایران حکایت می‌کند و از برخی شهرها نیز خبر از کشف شبکه‌ها و وسایل جاسوسی می‌رسد.

در استان گیلان، سپاه پاسداران درباره ظهور اشیاء نورانی در آسمان این استان امروز گزارش داد: «در پی مشاهده شیئی نورانی در نزدیکی مقر سپاه پاسداران بندر انزلی و شلیک پاسداران به سوی آن، شیء مزبور به سوی مرزهای شوروی گریخت. این شیء سپس دو شب متوالی در ارتفاعات بلندتری مشاهده شد.» ربیعی فرمانده سپاه پاسداران گیلان (مرکز رشت) در این مورد گفت: «این شیء نورانی به احتمال قوی ماهواره‌های اطلاعاتی شوروی است که روی پایگاه‌های نظامی حرکت می‌کند.»^(۲۲) ربیعی همچنین اعلام کرد که «یک شخص روسی به نام کلاچکو را در رابطه با نیروهای چپ دستگیر کردیم که از ایران اخراج شد.» وی افزود: «ما تحقیقات وسیعی را در مورد اتباع خارجی آغاز کرده‌ایم...»^(۲۳)

در تهران نیز دو خانه تیمی مجهز به وسایل مخابراتی و ارتباطی با تلاش پاسداران کمیته کشف شد. به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، «مأمورین کمیته منطقه یک شمیران که از مدت‌ها قبل پی به رفت و آمدهای مشکوکی در این خانه برده بودند پس از ورود به این خانه در بازرسی از آن، مقدار زیادی اسناد و مقادیر زیادی وسایل و ابزار ارتشی و تصاویر شاه مخلوع و آرم‌های چریک‌های فدایی خلق را همراه با لباس‌های کردی به دست آوردند. گفته شد که صاحب این خانه که گروهبان اکبرزاده نام دارد و عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز می‌باشد، متعاقب این امر موفق به فرار شد. وی از سوی کمیته منطقه یک شمیران تحت تعقیب است.»^(۲۴)

یک گزارش مشابه دیگر حاکی از کشف یک انبار بزرگ وسایل جاسوسی و الکترونیکی توسط پاسداران کمیته منطقه ۱۴ شهرری است. به نوشته روزنامه اطلاعات، «امروز پاسداران و گروه ضربت کمیته منطقه ۱۴ شهرری موفق شدند یک انبار از وسایل الکترونیکی و جاسوسی را که از مدت‌ها قبل در منطقه شهرری تهران مخفی شده و میلیون‌ها تومان ارزش دارد، کشف و ضبط کنند.» اطلاعات به نقل از یک سخنگوی کمیته افزوده است: «دو نفر از عاملین در رابطه با این مرکز جاسوسی دستگیر شدند. این ۲ تن قصد داشتند شبانه بعضی از این وسایل جاسوسی را به جای دیگر انتقال دهند. ... وسایل جاسوسی که کشف و ضبط گردید بدین شرح است: تلویزیون‌های مدار بسته، رادارهای بزرگ و کوچک، انواع بی‌سیم، لوازم یدکی فرستنده‌ها، لامپ‌های بزرگ تصویر تلویزیون، میکروفن، دستگاه‌های گیرنده و کمیاب و گران‌بها برای جاسوسی، کابل‌های فشار قوی، لوازم الکترونیکی جاسوسی که در برابر گرما حساسیت دارند، فرستنده‌های تلویزیونی، دستگاه‌های الکترونیکی ضبط تلفنی، انواع وسایل ضبط صدا و میکروفیلیم و دستگاه الکترونیکی جاسوسی جیبی و کیفی.»^(۲۵)

۳۱۶

از جمله مأموریت‌های سپاه، حفاظت از بنادر و راه‌های ورود و حمل محموله‌های قاچاق به‌خصوص سلاح و مهمات است که در گستره‌ای بسیار وسیع مطرح است. در این زمینه، یک گزارش از مرکز فرماندهی سپاه به سپاه اهواز (خوزستان) حاکی است: «یک لنج اسلحه و مهمات از طریق مسقط و عمان در حرکت و بناست از طریق بندر گواتر* تخلیه و از راه‌های نفوذی (سند)، تاکستان پیشین با اتومبیل سیمرخ وارد بلوچستان و بین سران عشایر تقسیم نمایند.» در این گزارش از سپاه خوزستان خواسته شده که بر مراقبت شدید خود از بنادر و راه‌های احتمالی مورد استفاده قاچاقچیان بیفزایند.^(۲۶)

از سوی دیگر، هیئت بررسی مسائل و مشکلات امنیتی استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان به ریاست میرسلیم، معاون سیاسی وزارت کشور و سرپرست شهربانی جمهوری اسلامی ایران، که به زاهدان رفته بود، امروز به کار خود پایان داد. میرسلیم در مورد مسائل امنیتی سیستان و بلوچستان گفت: «ما به این نکته پی بردیم که ضدانقلاب به سیستان و بلوچستان آمده تا حیل‌های کهنه خود را به اجرا درآورد و از تعصبات مذهبی و قومی در جهت ایجاد تفرقه استفاده کند. ... وی افزود: «همچنین برای استقرار امنیت، نتیجه بر این شد که قوای نظامی اعم از پاسداران، شهربانی و ژاندارمری تقویت شوند و با قاطعیت در مقابل ضدانقلاب بایستند و پاسگاه‌های مرزی کنترل بیشتری را در مرزها انجام دهند. در مورد قاچاق نیز قرار شد توسط مرزنیان و کسانی که دارای کارت مبادلات مرزی هستند، شرکت تعاونی ایجاد گردد تا کالاهای مورد نیاز را بتوانند وارد کنند. همچنین، سرمایه‌گذاری در این منطقه به‌علت عدم امنیت و عدم همکاری بین مردم و مسئولین ناموفق بوده و تاکنون فقط ۴۰ درصد آن جذب شده است. ...»^(۲۷)

۳۱۷

دوره انتقال از وضعیت انقلاب به نظام سیاسی باثبات (انقلاب - نظام) هنوز ادامه دارد و هر روز با مشکلات خاص خود دست به گریبان است. نمونه‌هایی از برخوردهای مربوط به دوران گذار میان جریان‌ها و گروه‌های موافق و مخالف، در شهرهای کوچک و بزرگ به‌طور روزمره مشاهده می‌شود.

در محله نازی‌آباد تهران، به دنبال آزادی ۶ تن از طرفداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که پس از یک درگیری در روز ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ دستگیر شده بودند، شامگاه امروز اهالی بازار دوم نازی‌آباد دست به یک راه‌پیمایی اعتراض‌آمیز زدند. گزارش روزنامه کیهان در این زمینه حاکی است: «در پی این راه‌پیمایی که مردم شدیداً خواستار جمع‌شدن کتاب‌فروشی‌های سازمان مجاهدین

* بندر گواتر در شرقی‌ترین نقطه منتهی به دریای عمان و خلیج گواتر قرار دارد.

[منافقین]، پیکار و راه کارگر بودند، سرانجام کمیته منطقه ۱۳ موضوع را به خود مردم واگذار کرد و در این مورد از خود سلب مسئولیت نمود.» این گزارش به نقل از یکی از مسئولان کمیته منطقه ۱۳ افزوده است: «در تاریخ ۵۹/۵/۲۶ بین مردم و طرفداران مجاهدین خلق [منافقین] درگیری رخ داد و کسبه و اهالی محل کلیه کتابفروشی‌های طرفداران مجاهدین خلق، پیکار و راه کارگر را جمع کردند که منجر به یک درگیری بین این گروه‌ها و مردم شد و یک نفر در این حادثه مجروح گردید. مأموران کمیته منطقه ۱۳ با دخالت در ماجرا ۶ تن از افراد این گروه‌ها را دستگیر کردند، ولی عصر دیروز [۱۳۵۹/۵/۲۹] پس از چند ساعت بازداشت، دستگیرشدگان را آزاد نمودند. این امر موجب اعتراض و راه‌پیمایی مردم محل شد که آنها ضمن ارائه طوماری مبنی بر برچیدن کتابفروشی‌های غیراسلامی، تأکید کردند که اگر کمیته نخواهد جلو این افراد را بگیرد، ما خودمان اقدام خواهیم کرد.» این مسئول افزود: «وقتی اهالی محل درباره خواسته خود پافشاری کردند، ما هم از خود سلب مسئولیت کردیم و جریان را به خود مردم واگذاشتیم.»^(۲۸)

همچنین، به گزارش خبرگزاری پارس، امروز «در هجوم به کتابفروشی هواداران مجاهدین خلق [منافقین] در بندر گناوه، کتاب‌ها و لوازم داخلی این مغازه از بین رفت.» طبق همین گزارش «در رابطه با این حادثه، کانون دانش‌آموزان مسلمان گناوه ضمن تسلیم شکایتی به دادسرای انقلاب اسلامی بوشهر خواستار مجازات عاملین حمله به این کتابفروشی شده است.»^(۲۹)

از سوی دیگر، هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) شاخه بهشهر در اطلاعیه‌ای که منتشر و پخش شد ضمن اعتراض شدید به حکم دادگاه انقلاب اسلامی این شهر درباره یکی از هواداران این سازمان، که از سوی دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، آن را محکوم کردند.^(۳۰)

در همین حال، امروز روزنامه انقلاب اسلامی وابسته به جریان بنی‌صدر، نامه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را به آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور، منتشر کرد. این نامه درباره اشغال ساختمان‌ها و برخورد برخی نهادهای رسمی در گوشه‌وکنار کشور با این سازمان بود. روزنامه انقلاب اسلامی پیش از متن نامه، در مقدمه خود آورده است: «چاپ مطلب زیر صرفاً به‌خاطر اطلاع مردم و مقامات و مسئولین از وضعی است که در گوشه‌وکنار کشور به‌خاطر تصمیم‌های فردی و مخالف با قانون اساسی به وجود می‌آید. هشدار دادستان کل کشور مبنی بر عدم حمله افراد غیرمسئول به دفاتر گروه‌ها و روزنامه‌ها که باید به‌وسیله همه رعایت شود، متأسفانه ازطرف یک مقام قضایی چنین برخوردی با آن می‌شود. ...»

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که خود همواره در ایجاد درگیری فیزیکی و تحریک مردم وفادار به انقلاب اسلامی و بهره‌برداری تبلیغاتی از چنین حوادثی، در کنار و هماهنگ با دیگر گروه‌های چپ، نقش محوری داشته است در بخشی از نامه خود خطاب به دادستان کل کشور،

با لحنی مظلوم‌نمایانه چنین آورده است: «از موقعی که جناب‌عالی ضمن محکوم‌نمودن اشغال و تصرف اماکن و دفاتر گروه‌ها دستور تخلیه این قبیله مراکز را توسط مهاجمین اشغالگر هرج و مرج طلب و قانون‌شکن صادر نمودید، بیش از سه هفته می‌گذرد. متأسفانه در این مدت هیچ‌گونه ترتیب اثری به حکم دادستانی کل کشور داده نشده.»

در بخش دیگری از نامه آمده است: «تأسف‌آور اینکه تمام این تجاوزات و قانون‌شکنی‌ها توسط کسانی صورت می‌گیرد که در ادعا بیش از همه سنگ قانون اساسی جمهوری اسلامی را به سینه می‌زنند، ولیکن در عمل روشن و روشن‌تر می‌شود که این مدعیان ریائی قانون اساسی، کمتر از هرکسی ملتزم بدان بوده و بیش از همه (و قبل از همه) آن را نقض و پایمال می‌کنند. ...»^(۳۱)

۳۱۸

پس از چند هفته مناقشه بر سر تعیین و انتخاب نخست‌وزیر، بالاخره شامگاه امروز حکم انتصاب محمدعلی رجایی از سوی بنی‌صدر صادر شد. متن حکم مزبور نشان می‌دهد که بنی‌صدر رضایت چندانی به این انتخاب نداشته است. در بخشی از این حکم خطاب به آقای رجایی چنین آمده است:

«باتوجه به جریان گزینش شما و رأی تمایل نمایندگان محترم، به سمت نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌شوید. لازم به یادآوری است که در شرایط حساس کنونی، شما به‌عنوان نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران باید قبل از هر چیز نص و مفاد قانون اساسی را نصب‌العین خود قرار دهید و با کوشش در طریق استقرار امنیت و وحدت و بازسازی اقتصادی و متعین‌ساختن معنویت اسلامی در روابط بین مردم و حکومت، دفاع از استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور و تأمین حقوق و آزادی‌های افراد ملت را سرلوحه برنامه دولت خویش قرار دهید و این کار میسر نیست جز با دستیابی به وحدت و تفاهم بین نیروهای متعهد نسبت به انقلاب اسلامی ایران.»^(۳۲)

۳۱۹

در پی افزایش و حضور چشمگیر ناوگان‌های جنگی امریکا و تفنگ‌داران دریایی این کشور در اقیانوس هند و خلیج فارس که طبعاً باعث ایجاد نگرانی‌هایی در جمهوری اسلامی ایران می‌شود، حرکت تفنگ‌داران دریایی این کشور به سوی سواحل نزدیک ایران در خلیج فارس، واکنش‌هایی نه‌چندان واجد اهمیت را در میان مسئولان سیاسی و نظامی ایران در پی داشت.

درمورد این نقل‌وانتقالات نظامی، وزارت دفاع امریکا اعلام کرد که ۱۸۰۰ تفنگ‌دار دریایی امریکا که از سه هفته گذشته در اقیانوس هند مستقر بودند، به پایگاه امریکا در عمان در نزدیکی سواحل ایران منتقل شدند. طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، این واحد نظامی دریایی مجهز به

تجهیزات سنگین از قبیل زره پوش های ام ۶۰ و بالگرد است. ورود این واحد ۱۸۰۰ نفره به منطقه می تواند نشانه افزایش حضور نظامی مستقیم امریکا در ناحیه خلیج فارس؛ جایی که ۲ ناو هواپیمابر و حدود ۲۰ ناوچه آمریکایی دائماً در این منطقه در حال حرکت هستند، باشد. بنا به همین گزارش، هارولد براون وزیر دفاع ایالات متحده، در یک مصاحبه تلویزیونی علت حضور نیروهای هوایی و دریایی امریکا را در طول دریای عمان، یادآوری این مسئله به شوروی دانست که امریکا نیز مراقب خط نفت در این منطقه می باشد. ژنرال پل کلی نیز اظهار کرد که امریکا امکان بهره گیری از یک واحد ۹۰۰ نفره دیگر را در کمتر از ۴۸ ساعت در منطقه دارد.^(۳۳)

از سوی دیگر، پیش از ظهر امروز در ایران، جلسه شورای امنیت ملی در همین خصوص و نیز در مورد مسائل امنیتی کشور تشکیل شد. بنی صدر در پایان این جلسه درباره خبر انتقال ۱۸۰۰ تفنگدار آمریکایی به خلیج فارس گفت: «این خبر از طریق منابع داخلی به دست ما نرسیده و فقط رادیوهای خارجی آن را گفته اند، ولی در هر حال قرار شد مسئله تحقیق شود و نتیجه آن گزارش گردد.» وی همچنین اظهار کرد: «این جزیی از یک برنامه است که اگر اجرا شود، معلوم می شود آن برنامه درست است.» در پایان این جلسه همچنین ناخدا افضلی فرمانده نیروی دریایی، درباره نقل و انتقالات اخیر امریکا در خلیج فارس گفت: «چیزی که مؤید این خبر باشد هنوز در دست نیست.» وی افزود: «به هر صورت، وضع نیروی دریایی خوب است.» سرهنگ فکوری فرمانده نیروی هوایی نیز در پایان این جلسه گفت: «ما برای مقابله با هرگونه تهاجمی آماده هستیم.» این خبر به نقل از فرمانده نیروی دریایی و ستاد مشترک ارتش می افزاید: «گشتی های نیروی دریایی و هوایی جمهوری اسلامی مراقبت های لازم را دارند و در آماده باش به سر می برند.»^(۳۴)

۳۲۰

اظهارات و مواضع امروز مقامات آمریکایی و ایرانی درباره گروگان ها، هرچند راه عاجلی برای حل قضیه نگشود، اما اهمیت آن را مجدداً یادآوری کرد. طرف آمریکایی که طبعاً خواستار سرعت بخشیدن به حل مسئله با روش های مرسوم نظیر مذاکره مستقیم و... بود، اقدام به ارسال نامه ای از طریق ادموند ماسکی وزیر امور خارجه خود، کرد. این در حالی است که در آستانه ارسال این نامه، طرف ایرانی عجله برای این کار را ضروری نمی دانست و آن را به نوعی به بعد احاله می داد.

در این میان، با انتصاب رسمی محمدعلی رجایی به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، امیدهای تازه ای در مسئولان رسمی دولت امریکا برای آزادی گروگان های آمریکایی و حل مشکلات میان دو کشور ابراز می شود. امروز ادموند ماسکی، وزیر امور خارجه امریکا، با ارسال نامه ای خطاب به محمدعلی رجایی، خواستار مذاکره مستقیم برای حل مسائل بین دو کشور شد. متن این نامه چنین است:



ادموند ماسکی وزیر خارجه امريکا در نامه‌ای به رجایی نخست‌وزیر: من به شما اطمینان می‌دهم که ما حداکثر احترام را برای استقلال، تمامیت ارضی شما و رعایت اصل عدم مداخله نشان خواهیم داد. ادامه بن‌بست تنها می‌تواند تلخی و رنج دوطرف را افزایش دهد.

«آقای نخست‌وزیر! این نامه را به‌عنوان وزیر خارجهٔ امریکا که به‌تازگی با مسائل جاری در روابط دو کشور روبه‌رو شده‌ام می‌نویسم. می‌دانم که این مسائل جزء مسئولیت‌های سنگینی است که شما به‌عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران پذیرفته‌اید. امیدوارم من و وزیر خارجهٔ منتخب شما بتوانیم برای رسیدن به راه‌حل‌های سازنده دربارهٔ مشکلات بین دو کشور با یکدیگر کار کنیم. یقیناً با مرگ شاه سابق، اینک فصلی از تاریخ ایران بسته شده و با استقرار دولت شما فصل جدیدی باز شده است. به عقیدهٔ من زمان آن رسیده که نگاهی تازه به مسائل بین ایران و امریکا بیفکنیم. ایالات متحده واقعیت انقلاب ایران و قانونی بودن جمهوری اسلامی را درک می‌کند. مردم ایران با اقدامات جدی پیگیر خود فرصت یافتند در مراحل ایجاد نهادهای جدید شرکت کنند. من به شما اطمینان می‌دهم ایالات متحده مایل به مداخله در آن مراحل نبوده است. ما معتقدیم که هیچ نیروی خارجی نباید در حق تصمیم‌گیری‌های سیاسی مداخله کند.

۵۲ نفر از امریکایی‌های هم‌وطن من مدت ۹ ماه است در ایران در اسارت به سر می‌برند. من با خانواده‌های آنان ملاقات کرده‌ام، من قادر نیستم برای شما توصیف کنم که این اشخاص بی‌گناه چه رنج عمیق و یأس‌آوری را تجربه کرده‌اند. همهٔ امریکایی‌ها با هر عقیده خواستار آزادی سریع گروگان‌ها هستند. من امیدوارم شما بپذیرید وقت آن رسیده است که به رنج آنان شرافتمندانه پایان داده شود و گروگان‌ها به خانه‌هایشان نزد خانواده‌هایشان فرستاده شوند. من می‌پذیرم که ایرانی‌ها هم رنج برده‌اند، ادامهٔ بن‌بست تنها می‌تواند تلخی و رنج دو طرف را افزایش دهد. کاسهٔ صبر و تحمل رنج پر شده است، بگذارید این رنج را به پایان برسانیم.

من به شما اطمینان می‌دهم که ما حداکثر احترام را برای استقلال تمامیت ارضی شما و رعایت اصل عدم مداخله نشان خواهیم داد. ما می‌دانیم که تصمیم‌گیری دربارهٔ بحران گروگان‌ها به پارلمان ایران به‌عنوان نمایندگان مردم ایران واگذار شده است. ما همچنین می‌دانیم که در ایران مانند امریکا احساسات تندی دربارهٔ تظلمات گذشته وجود دارد. مسائل مورد اختلاف بین دو کشور فراوان است. ما به سهم خود مایلیم که این مسائل به‌طور منصفانه بررسی شود و دربارهٔ آنها به راه‌حل‌هایی براساس احترام متقابل و برابر برسیم. فکر می‌کنم در

آغاز مرحله تفاهم بیشتر، ایجاد کانال ارتباطی منظم مفید باشد. من شخصاً ترجیح می‌دهم اگر شما هم موافق باشید، این ارتباط به‌طور مستقیم با حسن‌ظن بین نمایندگان دو دولت ما برقرار شود. مذاکره مستقیم و صریح بهترین راه‌حل برای برطرف ساختن دشمنی و سوءتفاهم است. اگر موافق باشید ما می‌توانیم از طریق یک گروه ثالث که پیام‌های بین ما را به‌طور منظم ردوبدل کنند عمل کنیم. سفارتخانه‌های سوئیس و الجزایر که حافظ منافع دو کشورند می‌توانند این نقش را بازی کنند. اشخاص دیگر هم به‌عنوان میانجی رسمی یا خصوصی می‌توانند همین وظیفه را انجام دهند. امیدوارم آمادگی داشته باشید که نقطه‌نظرهای خود را برای بحث درباره چنان مبادله افکاری که مفید باشد به ما ارائه دهید. من منتظرم که به‌خاطر منافع مردم دو کشورمان پاسخ را دریافت دارم. ارادتمند - ادموند ماسکی، ۲۰ اوت ۱۹۸۰»^(۳۵)

نامه فوق و درخواست تعجیل در حل مسئله گروگان‌ها، درحالی مطرح شده است که تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران باتوجه به شرایط داخلی کشور تأنی در این مسئله را برای دستیابی به یک راه‌حل مناسب لازم می‌دانند. برای مثال امروز آیت‌الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، در مصاحبه هفتگی خود با خبرنگاران داخلی و خارجی، به مسائل گوناگونی از جمله وضعیت آزادی گروگان‌های امریکایی پرداخت. وی درمورد حل بحران گروگان‌ها گفت: «این مسئله باید به‌هرحال حل شود و تصمیم روشنی درمورد آن گرفته شود؛ متنها باتوجه به مسائل مختلف کشور، این مسئله نمی‌تواند مسئله درجه اولی باشد؛ هنوز نخستین دولت جمهوری اسلامی سر کار نیامده و استقرار نیافته است و طبیعی است پرداختن به مسئله گروگان‌ها باتوجه به این اولویت، نمی‌تواند منطقی و توجیه‌کننده باشد. من فکر می‌کنم طرح این مسائل به‌هرحال پس از روی کار آمدن دولت جدید و استقرار نسبی آن است.»



وی در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: «باتوجه به اینکه امام تأکید فرمودند سرنوشت گروگان‌ها درعهد مجلس می‌باشد و با درنظرگرفتن اینکه گفته می‌شود مجلس آماده محاکمه گروگان‌هاست، تصمیم قطعی چه خواهد

دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور: هنوز نخستین دولت جمهوری اسلامی سرکار نیامده و طبیعی است باتوجه به اولویت‌ها، پرداختن به مسئله گروگان‌ها نمی‌تواند منطقی و توجیه‌کننده باشد.

بود؟» گفت: «اینکه مجلس باید تصمیم بگیرد طبیعی است که درعهد مجلس است و این تصمیم را خواهد گرفت، البته پس از اینکه وضع دولت جدید و برنامه‌ها مشخص شود. و اما اینکه مجلس تصمیم به محاکمه گرفته است، باید بگویم که مجلس تا به حال تصمیم به محاکمه نگرفته و این مسئله را مجلس باید بعداً اعلام بنماید.»^(۳۶)

همچنین در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، طرح کمیسیون خارجه مجلس مبنی بر جواب دادن به نامه ۱۸۵ نماینده کنگره امریکا تصویب و قرار شد که این جواب در قالب ادعانه‌ای از طرف جمهوری اسلامی ایران علیه دولت امریکا باشد. در این مورد، سیدمحمد خاتمی نماینده اردکان و مخبر کمیسیون خارجه گفت: «پس از طرح نامه ۱۸۵ نفر از نمایندگان کنگره امریکا، در این موقعیت به دلایل چندی به این نتیجه رسیدیم که لازم است به این نامه پاسخ داده شود.» وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: «... ما الآن موقعیتی برایمان پیش آمده تا بتوانیم بخشی از آرمان‌ها و خواست‌های خودمان را در معرض افکار عمومی جهان قرار دهیم، می‌توانیم جواب خودمان را به صورت ادعانه‌ای علیه جهان غرب در بیاوریم؛ هر چند که رسانه‌ها این کار را نمی‌کنند. این جواب به ۱۸۵ نماینده امریکاست. این جواب که به صورت ادعانه‌ای در خواهد آمد به صورت یک سند رسمی در اسناد دشمن ما ثبت خواهد شد. ...» وی سپس متن نامه کمیسیون خارجه را قرائت کرد. بعد از پایان یافتن سخنان مخبر کمیسیون خارجه، عده‌ای از نمایندگان به عنوان مخالف و موافق صحبت کردند. بعد از سخنان مخالف و موافق، رأی‌گیری به صورت قیام انجام شد و در نتیجه طرح کمیسیون خارجه مبنی بر جواب دادن به نامه نمایندگان کنگره امریکا به تصویب رسید.^(۳۷)

۳۲۱

در ادامه تنش و سردی روابط و مناسبات میان ایران و شوروی، امروز وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در یک اخطار ۲۴ ساعته از دولت شوروی خواسته شده است که یکی از دو کنسولگری خود را در رشت تعطیل کند. متن اطلاعیه وزارت امور خارجه بدین شرح است: «به دنبال تعطیل کنسولگری ایران در لنینگراد و ابراز تمایل وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران برای تأسیس کنسولگری در شهر "دوشنبه" و مخالفت شوروی با این امر، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به دولت شوروی اطلاع داد که می‌بایست در مدت ۲۴ ساعت، یکی از دو کنسولگری خود را در رشت تعطیل نماید. پس از پایان مهلت مقرر، کاردار سفارت روسیه شوروی در وزارت امور خارجه

* نامه نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی در پاسخ به نامه ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره امریکا و خطاب به رئیس این کنگره، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۰ در جلسه علنی مجلس قرائت گردید. در این باره رجوع کنید به روزشمار ۱۳۵۹/۶/۱۰.

جمهوری اسلامی ایران حاضر شد و اعلام داشت که دولت مطبوع وی سرکنسولگری خود را در اصفهان تعطیل نموده و کنسولگری خود را در رشت به سرکنسولگری تبدیل می‌نماید.^(۳۸)

همچنین، در تماس خبرنگار سیاسی روزنامه کیهان با یک مقام وزارت خارجه، وی در پاسخ به این سؤال که چرا ایران اصرار دارد در شهر دوشنبه تاجیکستان کنسولگری داشته باشد، گفت: «شهر دوشنبه مسلمان‌نشین است و ما می‌توانیم در آنجا تبلیغات اسلامی داشته باشیم و به مردم آنجا اجازه دهیم تا از نشریات سفارت در صورت تمایل بهره‌مند شوند. درضمن، افراد ایرانی در تاجیکستان زیاد هستند، اما در لنینگراد ایرانی وجود ندارد و کنسولگری در آنجا هیچ کاری برای انجام‌دادن ندارد.» این مقام وزارت خارجه افزود: «دولت شوروی با انتقال کنسولگری جمهوری اسلامی ایران از لنینگراد به شهر دوشنبه مخالفت کرده است و دلیل مخالفت خود را چنین ذکر کرده است که در شهر دوشنبه هیچ کنسولگری خارجی وجود ندارد.» وی همچنین گفت: «ما انتظار داشتیم که این دولت یکی از کنسولگری‌های خود را در رشت تعطیل کند، اما با کمال تعجب این دولت کنسولگری خود در اصفهان را تعطیل کرد. در اصفهان حدود ۵۰۰ خانواده روسی که تقریباً ۲۰۰۰ نفر می‌شوند به سر می‌برند؛ به علاوه، چون ذوب آهن در آنجا وجود دارد تعداد افراد دولت روسیه شوروی رو به افزون است، اما در رشت فقط ۷۸ خانوار حدود ۲۵۰ نفر وجود دارند. دولت شوروی باید کنسولگری خود را در اصفهان باز نگه‌دارد و یکی از کنسولگری‌های خود را در رشت تعطیل کند.» وی در خاتمه درباره دلیل اصرار شوروی به داشتن کنسولگری در رشت، گفت: «این منطقه از لحاظ سوق‌الجیشی برای شوروی خیلی مهم است؛ به علاوه، کنسولگری شوروی در رشت در نزدیکی سپاه پاسداران و ستاد نیروی دریایی قرار دارد.»^(۳۹)

ضمیمه گزارش ۳۱۴: وضعیت امنیتی بیجار، دیواندره، تکاب و اطراف آن و موقعیت سپاه و نیروهای این شهرها گروه تحقیقات دفتر هماهنگی مناطق سپاه مرکز اعزامی به بیجار، دیواندره و تکاب در گزارش مفصل خود درباره این مناطق و وضعیت سپاه و نیروهای آن به مطالب قابل توجهی اشاره کرده است. در این گزارش درباره تکاب آمده است:

«وضعیت شهرستان تکاب: تکاب در جنوبی‌ترین قسمت آذربایجان غربی قرار دارد. در اینجا چون مردم طرفدار جمهوری اسلامی می‌باشند، توطئه شرق و غرب با دیکتاتوری حزبی به‌خصوصی در منطقه پیاده شده است. در روستاها به این صورت عمل شده است که چند نفر از افراد ترسویی که برای حزب دمکرات جاسوسی می‌نمودند انتخاب و مسلح نموده‌اند سپس یک نفر از حزب را مسئول این افراد کرده‌اند و چون سطح آگاهی فرهنگی پایین می‌باشد خودبه‌خود زورگو می‌شوند. بعد اسلحه به ده آورده و مردم را مجبور می‌کنند که اسلحه بخرند. روستایی چون پول ندارد لذا گاو و گوسفندشان را می‌گیرند و اسلحه می‌دهند و گاو و گوسفندها را از مرز خارج می‌نمایند. و حتی گندمشان را به [حزب دمکرات] مهاباد [باید بدهند] و از آنجا به کجا می‌رود معلوم نیست. برای نمونه در روز ۵۹/۵/۲۹ پیرمردی به نام باقر بهادری از روستای امین‌آباد که زنش به نام زینب خزری بر اثر ۱۱ تیری که یکی از پیشمرگه‌های دمکرات به پایش زده، یک پایش فلج شده است، به نمایندگی از طرف ۵۰ خانوار روستای امین‌آباد به سپاه مراجعه نموده بود و اعلام

همبستگی می‌کرد و می‌گفت: "ما را نجات بدهید. من ۱۲ بچه دارم؛ مگر بچه‌های ما می‌توانند گندم نخورند که اینها ما را مجبور کرده‌اند که گندم‌ها را تمیز کنیم و به مهاباد منتقل نماییم؟" همان‌طور که آیت‌الله‌العظمی منتظری هم اشاره به این جریان نموده‌اند (که گندم را از مرز خارج می‌نمایند). عملاً زندگی را از روستایی می‌گیرند و جنگ و کینه را می‌کارند و سپس شروع به آبیاری می‌کنند؛ حال با تبلیغات، با زور و با هر چه باشد. و روستایی مسلح هم خودبه‌خود در اختیار حزب می‌باشد. هر که هم مخالفت نماید خانه‌اش را آتش می‌زنند یا منفجر می‌کنند؛ بقیه دیگر مطیع می‌مانند. شرق و غرب و صهیونیسم به وسیله عمالشان، حزب بعث، پول‌های کلان در کردستان ریخته‌اند و عملاً اقتصاد را خود فلج نموده‌اند و وقتی مردم به احزاب منحلّه مراجعه می‌نمایند که "ما پول داریم ولی از زاق عمومی نداریم" به مردم می‌گویند "دولت ارتجاع محاصره اقتصادی نموده است و چیزی نمی‌گذارد به کردستان وارد شود." و وقتی [مردم را] متوجه دولت نمودند بعضی مردم اصرار می‌نمایند که "خوب، ما چه کنیم؟" می‌گویند "حالا این پول را بگیر ببینیم با دولت چه کار می‌توانیم بکنیم". با این شگردهای سیا، موساد و کا.گ.ب در کردستان عمل می‌نمایند.

گروه‌های آمریکایی می‌خواهند حاکمیت خود را اعمال نمایند و گروه‌های روسی هم حاکمیت خود را؛ نمونه، ترور رهبر اتحادیه کمونیست‌های ایران در کردستان [است] که به وسیله گروه‌های آمریکایی انجام گرفته است. در این رابطه یک نفر مذهبی را گرفته، به جرم ترور شخص مذکور در مهاباد اعدام می‌نمایند. بعد از ملاقات وزیر امور خارجه آمریکا و روسیه باهم، تمام احزاب منحلّه و کفار منطقه در روستایی به نام خانقاه در نزدیکی مهاباد اجتماع نموده و عملیات خود را هماهنگ می‌نمایند. در آن جلسه، شیخ گمراه* و برادرش شیخ جلال و قاسملو، طالبانی، پالیزبان، نماینده بختیار و گروه‌های به اصطلاح سیاسی باهم ملاقات و هماهنگی می‌نمایند.

در ادامه این گزارش آمده است: «در کردستان مخصوصاً تکاب، مردم بیشتر صنفی هستند تا سیاسی؛ این است که باید با قاطعیت عمل نمود تا این غده سرطانی را ریشه‌کن نمود و این کار امکان ندارد مگر بعد از عملیات نظامی. باید برای ایجاد امنیت سریع، در روستاها شوراها را اسلامی تشکیل داده و زمین‌ها را تقسیم و سریع ایجاد کار نمود و الا داستان سال گذشته به نوعی دیگر تکرار خواهد شد. ...

وضعیت تدارکات تکاب: تدارکات تکاب هم شرایط بیچار و خیلی بدتر از آنجا را دارد چون زمستان در راه است و بیشتر مواقع جاده بیچار - تکاب به طور کلی مسدود می‌باشد و زمستان‌های بسیار سردی دارد و باید هر چه سریع‌تر از لحاظ تدارکاتی برای شش ماه تدارک شوند؛ مخصوصاً بی‌سیم که شدیداً در کل غرب و مناطقی مانند تکاب، کمبودش محسوس می‌باشد.

وضعیت پاسداران در منطقه تکاب: پاسداران در حدود ۶۰ - ۵۰ کیلومتری تکاب در کوه‌ها مستقر می‌باشند و از لحاظ ماشین و سلاح سنگین مثل خمپاره ۱۲۰ در مضیقه می‌باشند و مخصوصاً ماشین؛ چون به طور کلی این مسئله محسوس می‌باشد. برادران پاسدار در ۴ نقطه مستقر می‌باشند. در یک محل فقط با ارتش می‌باشند و در بقیه مناطق فقط پاسدار می‌باشد. ... و اگر تا هوا سرد نشده اقدام نشود، به طور کلی دیگر نمی‌شود در آن مناطق رفت و آمد نمود.

وضعیت ارتش در منطقه تکاب: ارتش که دو گروهان رزمی در منطقه دارد بعد از بیش از یک ماه و نیم، ۵ الی ۷ کیلومتر جلو رفته است، در صورتی که ۸ نفر پاسدار روستای پهلوان که در ۵ کیلومتری می‌باشد از اول [این روستا] را نگه داشته است. در اینجا هم توپخانه را برده‌اند. اگر یک توپ ۱۵۵ کششی بود، بالای پل ساروخ را که صخره‌ای و دارای غارهای متعدد می‌باشد، کوبیده و راه برای پاسداران و پیشروی ارتش باز می‌شد. الآن فقط دارند وقت می‌کشند و جلو [پیشروی] ارتش گرفته شده است. اگر قبل از سرد شدن هوا تا ماینلاق که پاسگاهی در آنجا هست پیشروی شود، خیلی از مسائل حل خواهد شد و می‌شود

* منظور شیخ عزالدین حسینی است.

عملیات خلع سلاح را سریع‌تر اجرا کرد. فرمانده واحد ارتشی در منطقه عملیات، سرگردی است که به مرخصی رفته و یا به بهانه دیدن فرمانده تیپ، منطقه عملیات را رها کرده است. فقط ستوان دومی آنجا بود که فکر می‌کنم فرمانده گروهان یک می‌باشد که کاملاً همکاری می‌نماید و سروان عبدالمجید جمشیدی که از طرف برادر سرهنگ [صیاد] شیرازی در منطقه می‌باشند. ...»^(۴۰)

در گزارش، علاوه بر تکاب به بیجار و دیواندره نیز پرداخته شده و درباره موقعیت سپاه بیجار نوشته است: «سپاه پاسداران بیجار در سه نقطه قرار دارد: نجف‌آباد در ۳۰ کیلومتری جاده بیجار - دیواندره؛ جعفرآباد در ۵۰ کیلومتری جاده بیجار - تکاب و بقیه افراد در ستاد سپاه در بیجار مستقر می‌باشند. در نتیجه، منطقه وسیعی در حدود ۷۰ کیلومتر را پاسداران بومی کنترل می‌کنند، که بر اثر کار زیاد رو به کسالت و فرسایش گذاشته‌اند. بیجار تنها شهر شیعه کردستان می‌باشد و از اول انقلاب هم‌دوش شهرهای دیگر همگام انقلاب اسلامی حرکت نموده‌اند. این شهر می‌تواند بهترین پشتوانه از هر لحاظ برای منطقه دیواندره، تکاب و سنندج باشد و لذا باید از همه لحاظ تقویت گردد؛ مخصوصاً از لحاظ تدارکات؛ چون زمستان‌های بسیار سختی بر این منطقه حکم فرماست و همیشه یا بیشتر اوقات جاده زنجان - بیجار یا بیجار - دیواندره و تکاب بسته و یا رفت‌وآمد به سختی صورت می‌گیرد، به طوری که از زنجان تا بیجار که دو ساعت بیشتر راه نیست، شش ساعت طول می‌کشد و بعضی مواقع هفته‌ها بسته می‌شود و لذا تا هوا سرد نشده، حتی المقدور تدارک کافی باید نمود. جاده سنندج - بیجار امنیت کافی ندارد و نمی‌شود مهمات حمل نمود؛ پس، از سنندج نمی‌شود تدارکات اینجا صورت بگیرد. باید یا از کرمانشاه ترتیب تدارکات و مهمات و وسایل مورد نیاز سپاه تأمین شود و یا از زنجان و یا از تهران. از تبریز نمی‌شود چون مشکلاتی در آنجا وجود دارد و نمی‌شود منتظر ماند.»

در مورد دیواندره آمده است: «ارتش بیشتر نیروهای خود را عقب کشیده است و فقط یک گردان رزمی از دیواندره تا سقز مستقر می‌باشد و این مسئله باعث تلاقی این فکر در توده مردم مخصوصاً دیواندره و سقز گشته است که "داستان سال گذشته دارد تکرار می‌شود و ما چه تضمینی داریم که شما فردا همه از منطقه خارج نشوید؟ اگر مطمئن شویم که برای همیشه امنیت ما را تأمین می‌کنید ما با شما هستیم." و در این مورد بایستی هر چه سریع‌تر پیگیری شود. در این مورد پیشنهاد این است که اولاً، در مورد سازمان پیشمرگه مسلمان که قبلاً در دیواندره مستقر بوده، تجدیدنظر اساسی شود و رأی بر حق را در نظر داشت؛ با این حساب که منطقه دیواندره عشایری می‌باشد؛ مثلاً ایل تیلکوه تا آن طرف مرز هم از افراد ایل پراکنده بودند و قبلاً دمکرات و کومه‌له از ترس اینکه "اگر یک نفر از افراد سازمان پیشمرگه قبلی را بکشیم یک ایل بر علیه ما بخواهند خاست" خیلی به دست و پا افتاده بودند و حتی برای نمونه حزب دمکرات به غلام‌خان و عبدالله‌خان نامه داده بود با مهر و امضا و دعوت به همکاری با خلق کرد کرده بود و اینها اشخاصی بودند که روی آنها از طرف مسلمانان فشار می‌آمد که نباید در سازمان پیشمرگه مسلمان باشند. [به هر حال] مسئله سازمان پیشمرگه دیواندره اگر تجزیه و تحلیل شود و دقیق کار شود می‌تواند حتی بدون ارتش از سنندج تا سقز امنیت را حاکم کند. ولیکن در حالت فعلی، در شهر دیواندره به سازمان پیشمرگه مسلمان با آرپی. جی حمله می‌کنند و نباید به این مسائل کم بها داد. ثانیاً، گروه‌های گشت کوهستان از افراد داوطلب ارتش، سپاه، سازمان پیشمرگه مسلمان (که به منطقه خوب وارد هستند) به مدت دو ماه عملیات در کوهستان به طور مستمر و با قدرت به وجود آمده و اگر سازماندهی شوند، مطمئناً مسائل حل خواهد شد. ...

روحانیت (شیع و تسنن): بایستی مسئله روحانیت را در منطقه جدی گرفت و بودجه و نیروی مؤمن و مطمئن از حوزه‌ها جهت تشکیل اتحادیه یا حوزه روحانیت مبارز شیع و تسنن اقدامات لازم صورت گیرد... البته در فکر ترتیب ملاقات روحانیون اهل سنت دیواندره با امام نیز می‌باشیم که اگر صورت پذیرد امکان تأثیر سخنان امام و خود زیارت امام شاید این برادران را متوجه مسئولیت سنگین و رهاشدن از دست شیخ گمراه شود. سپاه دیواندره: آیا در دیواندره سپاه تشکیل می‌شود یا نه؟ تا به دنبال کادر بود و آیا دولت برنامه‌هایش را با سپاه و ارتش که به منطقه آمده‌اند هماهنگ نموده است یا نه؟ و اکنون جهاد سازندگی دیواندره بر اثر نداشتن بودجه رو به تعطیلی می‌رود و این خطرناک می‌باشد و اگر در بودجه جهاد کارشکنی شود، در

منطقه زحمات برادران بیشتر خواهد شد و چه بسا این مسئله قوت بگیرد که دوباره بر اثر فشار اقتصادی، مردم به دولت جمهوری اسلامی شک نمایند. درست است که در کل مملکت مشکلات زیادی به چشم می‌خورد و لیکن کردستان غده چرکین است و بایستی ریشه‌ای و با برنامه در درازمدت حل شود و بودجه هرکجا قطع شد، [بودجه] کردستان قطع نگردد؛ چون دقیقاً آمریکا - انگلیس و صهیونیسم و روس‌ها فعالانه مشغول توطئه می‌باشند و ما نباید بگذاریم توده مردم در دامن اینها افتاده و جنگ به درازمدت کشیده شود. ... یک تیم هواپرد به منطقه آمده و برادران پاسدار را آموزش نظامی می‌دهند.

مسئله زمین: هرچه سریع‌تر مسئله تقسیم زمین با جدیت و پشتکار دنبال شود تا زمینه تبلیغاتی از گروه‌های امریکایی و روسی گرفته شود.^(۴۱)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۹/۵/۲۹

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۱۲، به نقل از خبرگزاری پارس از ایلام.
۲. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۵، خبرنگار کیهان از کرمانشاه.
۳. همان، ص ۲، خبرنگار کیهان از قصر شیرین؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱، خبرنگار جمهوری اسلامی از قصر شیرین.
۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۵، خبرنگار کیهان از کرمانشاه.
۵. سند شماره ۵۶۰۶۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نازجا، ۱۳۵۹/۵/۳۰، برابر گزارش هنگ ژاندارمری قصر شیرین.
۶. سند شماره ۲۷۶۷۱۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه کرمانشاه به تهران - ت - ف - زاجا (رکن ۳)، ۱۳۵۹/۵/۳۰، مستند به گزارش هنگ قصر شیرین، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۷. سند شماره ۲۹۸۳۵۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ناحیه ژاندارمری کرمانشاه (رکن ۳) به فرمانده عملیات غرب، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۸. سند شماره ۵۶۰۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اطلاعات سپاه اهواز به اطلاعات سپاه مرکز، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۹. سند شماره ۴۳۲۷۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اطلاعات سپاه اهواز به اطلاعات سپاه مرکز، ۱۳۵۹/۶/۱.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۵.
۱۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۵۵، تاریخ ۱۳۵۹/۵/۳۰، صص ۱ و ۲، خبرگزاری پارس از کرمانشاه، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۲. سند شماره ۵۰۷۰۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (پیرانشهر)، ص ۶۷، از ستاد مشترک (اداره
- دوم، حفاظت اطلاعات) به ستاد عملیات غرب، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۳. سند شماره ۵۶۰۴۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه ارومیه به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۵۹/۵/۲۹؛ و - سند شماره ۴۲۵۵۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (کردستان)، ج ۱، ص ۲۲۶، گزارش مسئول تحقیقات و اطلاعات سپاه ارومیه به سپاه غرب کشور، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۴. سند شماره ۵۶۵۴۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (پیرانشهر)، ص ۳۶، از سماجا (مرکز فرماندهی) به نهاجا (پست فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۵. سند شماره ۱۰۶۷۴۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (سردشت)، ص ۷۶، از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۶. سند شماره ۱۴۱۶۶۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (مریوان)، ج ۱، ص ۱۶۹، از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه پاسداران غرب کشور، ۱۳۵۹/۶/۲؛ و - سند شماره ۴۳۲۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (مریوان)، ج ۱، ص ۱۶۴، از سماجا ۳ به زاجا.
۱۷. سند شماره ۱۱۴۹۴۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (مریوان)، ج ۱، ص ۱۶۰، گزارش مرکز بررسی مناطق ایران - منطقه ۷ به دفتر عملیات، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۸. سند شماره ۴۲۵۵۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق گردنشین (خوی)، ص ۱۲۳، از اطلاعات سپاه سردشت به اطلاعات سپاه ارومیه، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۱۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۴، به نقل از خبرگزاری پارس از کرمانشاه.

۲۰. سند شماره ۱۳۶۶۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (تکاب)، ص ۸۸ از اداره طرح و برنامه عملیات به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۲۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۵، نامه امام جمعه تکاب به ستون «مشکلات مردم» روزنامه جمهوری اسلامی.
۲۲. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۱۴؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۵؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲، همگی به نقل از خبرگزاری پارس از رشت.
۲۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۵۵، تاریخ ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۱، خبرگزاری پارس از رشت، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۲۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲.
۲۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲.
۲۶. سند شماره ۳۸۸۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه اهواز، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۲۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۳؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۴، هر دو به نقل از خبرگزاری پارس از زاهدان.
۲۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲، گزارش خبرنگار کیهان از نازی‌آباد؛ همچنین ر. ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲، به نقل از خبرگزاری پارس از تهران.
۲۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۵۵، تاریخ ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱، خبرگزاری پارس از بوشهر، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۳۰. هفته‌نامه کار، ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت)، شماره ۷۲، ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۸.
۳۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۲.
۳۲. روابط عمومی نخست وزیری، مکاتبات رجایی با بنی‌صدر، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات، ۱۳۶۰، صص ۱۲۳ و ۱۲۴، شماره ۱۱۰۷۳، ۱۳۵۹/۵/۲۹.
۳۳. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۹، صص ۱ و آخر؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۲۹، ص ۲؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲، هر سه به نقل از خبرگزاری فرانسه از واشنگتن.
۳۴. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، صص ۱ و ۲.
۳۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲۰، ص ۱۴؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲۰، ص ۲، به نقل از خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری رویتر از واشنگتن.
۳۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۶؛ و - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۰.
۳۷. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، ص ۵۰۰.
۳۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۵؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۱۴.
۳۹. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۳۰، ص ۲.
۴۰. سند شماره ۳۸۸۲۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (بیجار)، صص ۱۹۰ تا ۱۸۳، گزارش گروه تحقیقات دفتر هماهنگی مناطق مرکز، ۱۳۵۹/۶/۲.
۴۱. همان.